



**The causes of students' lack of motivation in writing or essay lessons'
(a case study of 10th grade students of Ishaghiya High School in Yazd)**

Fazlollah Rezaei Ardani^{,1}, Mehdi Sadeghi, Shahin Maboudi³*

1. Department of Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran.

2. Department of Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran.

3. Master of Persian Language and Literature, Farhangian University of Yazd, Iran.


ABSTRACT

Keywords:

Essay,
creativity,
lack of causes,
lack of motivation, interest,
students.

The essay lesson is one of the lessons that has a direct relationship with creativity; Students think about the subject by using words as well as making appropriate sentences and using their creativity; Therefore, the essay lesson in the curriculum is the same as the place of the performing arts among other arts. All the arts are expressed in the art of performance, and the essay, like this art, is a re-creation and a person's perception of the creation. The present research processes the causes and factors of lack of motivation among tenth grade students. The research plan is descriptive and practical research (action research), using the library and survey method, in order to solve the created problem and try to improve lack of motivation in the essay lesson. Considering the action research nature of the research, the experiences of colleagues, guidance and interviews with parents and students have been used for better performance. The findings of the research show that the most important causes of students' lack of motivation in Persian writing and essay lessons are lack of interest in the lesson, lack of extracurricular studies, students' lack of awareness of social issues around them, and in this regard, specialized and general solutions have been presented

Corresponding author

 rezaei_ardani@yahoo.com

ISSN (Online):

DOI: 10.48310/rpllp.2024.13047.1099


Received: 1401/10/21

Reviewed: 1402/03/08

Accepted: 1403/08/06

PP:15

Citation (APA): Rezaeei, F & etc. (2024). The causes of students' lack of motivation in writing or essay lessons' (a case study of 10th grade students of Ishaghiya High School in Yazd) *Journal of research in Persian language and literature education*, 5 (2), 11-25.

 <https://doi.org/10.48310/rpllp.2024.13047.1099>



علل بی‌انگیزگی دانش‌آموزان به درس نگارش یا انشا (مطالعه موردی دانش‌آموزان پایه دهم مدرسه اسحاقیه یزد)

مقاله پژوهشی

فضل الله، رضایی اردانی*^۱، مهدی صادقی^۲، شهین معبودی^۳

۱. گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

۲. گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

۳. کارشناسی ارشد آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان یزد، ایران.

چکیده

درس انشا، از جمله دروسی است که ارتباط مستقیمی با خلاقیت دارد؛ دانش‌آموزان با به‌کارگیری کلمات و همچنین جمله‌سازی مناسب و بهره‌گیری از قوه خلاقیت خود درباره موضوع موردنظر فکر می‌کنند؛ لذا، درس انشا در برنامه‌های درسی، همانند جایگاه هنر نمایش در میان دیگر هنرهاست. همه هنرها در هنر نمایش، نمود می‌یابند و انشا هم مانند این هنر، بازآفرینی و ادراک فرد از آفرینش است. تحقیق حاضر، علل و عوامل بی‌انگیزگی دانش‌آموزان پایه دهم را مورد پردازش قرار می‌دهد. طرح تحقیق، توصیفی و از نوع تحقیق عملی (اقدام‌پژوهی) که با استفاده از روش کتابخانه‌ای و پیمایش در راستای حل مسئله ایجاد شده و تلاش جهت بهبود بی‌انگیزگی در درس انشا است. باتوجه به ماهیت اقدام‌پژوهی تحقیق، از تجارب همکاران، راهنمایی و مصاحبه با والدین و دانش‌آموزان برای عملکرد بهتر استفاده شده است. یافته‌های تحقیق بیانگر این است که مهم‌ترین علل بی‌انگیزگی دانش‌آموزان در درس نگارش و انشای فارسی بی‌علاقگی به درس، عدم مطالعه غیردرسی، عدم آگاهی دانش‌آموزان به موضوعات اجتماعی اطراف خود بوده است که در این خصوص، راهکارهای تخصصی و عمومی، ارائه گردیده است.

DOI:

10.48310/rpllp.2024.13047.1099

واژه‌های کلیدی:

انشا،

خلاقیت،

علل بی‌انگیزگی،

علل بی‌علاقگی،

دانش‌آموزان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. نویسنده مسئول

✉ rezaei_ardani@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۳/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۶

شماره صفحات: ۱۵

مقدمه

امروزه اهمیت نوشتن به‌عنوان راه تبادل اطلاعات، بیان افکار، احساسات و ارتباطات، نسبت به گذشته، بسیار مشهودتر است. در مدارس و دانشگاه‌های کشورهای توسعه‌یافته آموزشی، به مهارت نگارش و انشانویسی، توجه ویژه‌ای می‌شود؛ زیرا کسب صلاحیت در نوشتن به رشد و توسعه زبان مادری منجر می‌شود و می‌تواند در تحکیم ریشه‌های زبان مادری اثرگذار باشد. از سوی دیگر، بی‌توجهی به این مهارت خطیر و تشویق نکردن دانش‌آموزان به کسب آن، موجب تضعیف تحقق اهداف درس انشا می‌شود. چرا که «انشا، فنی است که برای بیان معانی موجود در ذهن به کار می‌رود؛ البته با عباراتی درست، رسا و فصیح که شایسته مقام و درخور درک و فهم شنونده کلام باشند. هدف از آموختن انشا، تسلط بر بیان مقصود است؛ به‌نحوی که خواننده به‌خوبی مطلب را درک کند» (ایلیادی و حیدرپور، ۱۳۸۷).

درس انشا از جمله دروسی است که ارتباط مستقیمی با خلاقیت دارد، دانش‌آموزان با به‌کارگیری کلمات و جمله‌سازی مناسب و بهره‌گیری از قوه خلاقیت خود درباره موضوع موردنظر فکر می‌کنند به همین جهت «آشنایی دانش‌آموزان با درست‌نویسی کلمات، ترکیب، جمله‌سازی و توسعه دامنه واژگان، نقش بسزایی در مهارت انشانویسی دانش‌آموزان دارد» (احمدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۰). از طرفی باتوجه‌به اینکه «نوشتن» به‌عنوان «ملموس‌ترین و عینی‌ترین مهارت ارتباطی، در مقایسه با خواندن از خود، سند مکتوب بر جای می‌گذارد، بیشتر به آن پرداخته و درباره آن بازخواست می‌شود و مسئله‌ای چالش‌انگیزتر شناخته می‌شود» (نریمانی و شریعتی، ۱۳۹۴: ۸۹). به عبارتی؛ نوشتن، یک فرایند عصبی پیچیده است که با هماهنگی مکانیسم‌های چندگانه مغز مرتبط است و نیازمند تحریک و ادغام زنجیره منابع اطلاعاتی چندگانه همچون: «توجه، حافظه، مهارت‌های حرکتی، زبان و شناخت» است. اختلال نوشتن، یک ناتوانی یادگیری ویژه است که یادگیری زبان نوشتاری و استفاده از زبان نوشتاری را برای بیان افکار و اندیشه‌ها تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. این پژوهش باتوجه‌به این مقدمه و نظر به وضعیت نامطلوب مهارت انشانویسی به‌ویژه بی‌انگیزگی دانش‌آموزان پایه دهم مدرسه اسحاقیه یزد به درس نگارش و انشا، انجام گرفت.

ضرورت و اهمیت تحقیق

درس انشا در مدارس یکی از مظلوم‌ترین درس‌هاست و معمولاً مهارت دانش‌آموزان در این درس بسیار کم است. البته بی‌توجهی یا کم‌توجهی به این درس هم از طرف والدین و هم از طرف مدرسه است. از سویی برای معلمان، دوره آموزشی خاصی نیز، در نظر گرفته نشده است؛ هرچند در سال‌های اخیر، وجود کتاب درسی «بنویسیم»، اهمیت انشانویسی را مورد تأکید قرار داده است؛ ولی انشا، تنها درسی است که دانش‌آموزان می‌توانند در آن، خویشتن خویش را بازیابند و باتکیه بر قوه تخیل، افکارشان را بر روی کاغذ بازتاب کنند. باتوجه به اهمیت درس نگارش و انشا در تقویت قوه خلاقیت و اساسی بودن این درس در زندگی فردی و اجتماعی، ضرورت دارد که با وجود مشکلات مطرح‌شده در این زمینه، پژوهش‌های عملی و میدانی باتکیه بر تجربیات و نظرات صاحب‌نظران صورت‌گیرد و نتایج و راهکارهایی برای رفع این مشکل در مدارس به اشتراک گذاشته شود.

پیشینه تحقیق

احمدی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان: «چگونه توانستم مهارت انشانویسی دانش‌آموزانم را تقویت کنم» نشان داد که آموزش قواعد انشانویسی، آگاهی دانش‌آموزان از معیارهای ارزشیابی درس انشا و تشویق آنها به کتاب‌خوانی در تقویت مهارت انشانویسی و افزایش علاقه دانش‌آموزان به این درس، نقش مهمی دارد. عبادی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان: «اثر بخشی روش آموزش انشا با رویکرد یادگیری مغز‌محور بر باورهای خودکارآمدی تحصیلی و مهارت نوشتاری دانش‌آموزان»، با استفاده از تحلیل کوواریانس نشان داد که بین بیان نوشتاری گروه گواه و گروه آزمایش و همچنین بین

خودکارآمدی تحصیلی گروه‌ها تفاوت معناداری وجود دارد و آموزش‌های رویکرد مغزمحور تأثیر مطلوب داشته و می‌تواند به صورت کاربردی مورداستفاده قرار گیرد.

خورشیدوند و صادقی‌نیا (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان: «بررسی علل ضعیف بودن دانش‌آموزان در درس املا و انشا و ارائه راهکارهای مناسب جهت پیشرفت تحصیلی» پرداخته‌اند. تجزیه و تحلیل مشاهدات این پژوهش نشان داد که مؤلفه‌هایی از قبیل: «عدم به‌کارگیری روش‌های متنوع در تدریس، نبود رابطه عاطفی و صمیمی بین فراگیران و دبیران، عدم ایجاد انگیزه توسط معلم در فراگیران، ضعیف بودن پایه دانش‌آموزان در فعالیت‌های خواندن و نوشتن، عدم توانایی معلم در ساده‌سازی و قابل‌فهم نمودن مطالب درسی، عدم اهمیت به درس املا و انشا و غیره موجب ضعیف بودن و عدم علاقه فراگیران به درس‌های املا و نگارش شده است.

اصغریور ماسوله و قره‌گری (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان: «آموزش نگارش فارسی، آسیب‌ها و راهکارها»، چنین بیان می‌دارد که دست‌یابی به مهارت نگارشی، مانند هر مهارت دیگر با آموزش و تمرین امکان‌پذیر است اما آسیب‌شناسی مهارت نگارش در نظام آموزشی کشور، کمبود نیروی آگاه به ویژگی‌های زبان فارسی و مهارت‌های زبان، نبود محتوا بر مبنای روش صحیح و عدم آموزش هدف‌مند نگارش، باعث شده است که ما هم در زمینه آموزش نگارش و هم در زمینه محتوای تمرینی، با ضعف شدید مواجه باشیم.

لطفی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان: «میزگرد بررسی شیوه‌های انشا و نگارش در مدارس کشور» بیان می‌دارد که دروس انشا و نگارش به رغم اهمیت بالایی که از دید کارشناسان فن در بین دروس کشور دارند، در عرصه آموزش مدارس مغفول مانده است.

صالحی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان: «راهکارهای عملی برای درس انشا» نشان می‌دهد که برای بهبود وضع موجود و نیز تقویت مهارت‌های عملی و آفرینش انواع نوشته‌ها، به جای انباشته کردن ذهن دانش‌آموزان از محفوظات، آنان را در قالب همکاری‌ها و مشارکت‌های گروهی به تعامل و مناظره فعال واداریم.

الهام‌پور (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان: «بررسی مشکلات درس انشای فارسی دوره راهنمایی استان خوزستان»، مشکلات آموزشی درس انشا را از دیدگاه دانش‌آموزان را در چهار عامل: «مشکلات ساختاری، مشکلات تدریس، راهنمایی و انتخاب موضوع» و از دیدگاه دبیران در سه عامل: «مشکلات مربوط به نوشتن، مشکلات مربوط به تدریس و مشکلات آموزشی»، دسته‌بندی کرده است.

روش انجام تحقیق (روش گردآوری اطلاعات)

الف: **مطالعات کتابخانه‌ای:** در این مرحله با مراجعه به مراکز علمی - تحقیقاتی و اسناد کتابخانه‌ای به جمع‌آوری اطلاعات لازم پیرامون موضوع مورد مطالعه اقدام شده است.

ب: **مطالعات میدانی:** در طی مطالعات میدانی با استفاده از پرسش‌نامه و مصاحبه، به جمع‌آوری اطلاعات اقدام شده است.

ابزار گردآوری اطلاعات: در این تحقیق برای گردآوری اطلاعات از پرسش‌نامه و مصاحبه با دانش‌آموزان پایه دهم و اولیای آنها و کمک‌گرفتن از مشاوران و معلمان مدرسه، استفاده شده است.

زمان و مکان اجرای طرح

این تحقیق در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰، با توجه به شرایط کرونا و مجازی شدن کلاس‌های تدریس، در پی بی‌انگیزگی دانش‌آموزان پایه دهم مدرسه اسحاقیه یزد به درس نگارش و انشای فارسی، صورت پذیرفته است.

اهداف تحقیق

هدف کلی: بررسی علل و عوامل بی‌انگیزگی دانش‌آموزان به درس نگارش و انشا.

اهداف جزئی (اصلی):

۱- علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به درس انشا و ایجاد انگیزه در آنها.

۲- افزایش مهارت نوشتاری فراگیران.

یافته‌ها

مبانی نظری تحقیق

زبان و ادبیات فارسی با تمام زیر شاخه‌هایش، رمز هویت ملی و سبب پیوستگی و وحدت همه اقوام ایرانی و گنجینه گران‌بهای است که گذشته را به حال و آینده، پیوند می‌دهد. در این حوزه، دانش‌آموزان به‌گونه‌ای روشمند و علمی با پیکره نظام‌مند و عناصر سازه‌ای زبان، آشنا می‌شوند و توانایی آفرینش و نگارش در این حوزه را کسب می‌کنند. از سویی آموزش زبان، بستری مناسب را برای پرورش مهارت‌ها و ارزش‌های اخلاقی در قالب‌هایی از زبان برای دستیابی به اهداف گوناگون از جمله: «رفع نیازهای روزمره، تأثیرگذاری بر افکار و رفتار دیگران، ایجاد تفاهم در روابط اجتماعی، انجام‌دادن تحقیق و کسب اطلاعات، آشنایی با پیشینه فرهنگی، دریافت ایده‌ها و افکار و بستری برای تفکر»، فراهم می‌نماید (همتی، ۱۳۹۸: ۵۳). پس می‌توان گفت که زبان و ادبیات فارسی با پیشینه گران‌بهای خود، چکیده‌ای از فرهنگ اجتماع، تاریخ، جغرافیا، فلسفه، کلام است. اما برای نوشتن هر کتابی نیاز به درک دانش زبانی و ادبی است و فرد دانش‌آموخته برای پیشبرد کار خود در اجتماع نیاز به برخی مهارت‌های نوشتاری دارد که دروس فارسی عمومی می‌تواند فرد را در این امر مهم یاری کند.

در اغلب کتب نگارشی موجود فقط به ارائه تعاریف اصطلاحات نگارشی، بسنده شده و گرچه تمرین‌هایی نیز در پی مباحث نظری مطرح گردیده است، اما راه و روش عملی نگارش، آموزش داده نشده و بیشتر مثال‌ها و تمرین‌های این کتاب‌ها نیز با رویکرد ادبی شکل گرفته است. ارائه تعاریف و توصیه‌های نظری و رویکرد ادبی بر کتاب‌های درسی مدارس نیز سایه انداخته و نتیجه این عدم جدایی زبان فارسی از ادبیات فارسی در نگرش و عمل، موجب تغافل از آموزش عملی مهارت‌های زبانی در کل نظام آموزش و پرورش شده است. در واقع «در نظام آموزشی ما برای هیچ یک از مهارت‌های زبانی به‌ویژه مهارت نگارش، طراحی روش‌مند و اصولی وجود ندارد» (قادری‌دوست و دانایی طوسی، ۱۳۸۹: ۲۴-۲۵). البته پس از اجرایی شدن سند تحول در آموزش و پرورش، ساختار کتاب‌های درسی تغییر کرده است. در همین راستا، با هدف اصلی، آموزش مهارت‌های نوشتاری (انشا و نگارش) برای دوره متوسطه اول، کتاب‌های جدیدی با هدف پویایی فکر و پرورش ذهن تألیف گردیده است. نگرش آموزشی و عملی به زبان فارسی و مهارت‌های زبان به‌ویژه، مهارت نگارش در دوره تحصیلات عالی هم حال‌وروز بهتری از دوره‌های پیش از آن ندارد. در سال ۱۳۹۱ کمیته برنامه‌ریزی زبان و ادبیات فارسی در برنامه درسی این رشته بازنگری انجام داد.

اعضای این کمیته با صراحت بیان داشتند که رشته زبان و ادبیات فارسی دو محور دارد؛ یکی، زبان فارسی و دوم، ادبیات فارسی، اما در برنامه درسی بازنگری‌شده دوره کارشناسی رشته زبان و ادبیات فارسی هیچ نامی از زبان فارسی برده نشده و دروس این رشته در سه زمینه مهارت‌ها، فنون و متون ادبی تنظیم گردیده است؛ بنابراین، آسیب‌شناسی مهارت نگارش در نظام آموزشی کشور ما نشان می‌دهد که نبود محتوا بر مبنای روش صحیح و عدم آموزش هدفمند نگارش در آموزش و پرورش، همچنین عدم تربیت نیروی آگاه به ویژگی‌های زبان فارسی و مهارت‌های زبان در آموزش عالی باعث شده است که از معلمان آموزش ندیده، انتظار داشته باشیم، باتکیه صرف بر شمس زبانی، ذوق، استعداد و خلاقیت شخصی، به آموزش بپردازند و از دانش‌آموزان نیز انتظار داشته باشیم که نه تنها یاد بگیرند، بلکه آن را در عالی‌ترین سطح به کار بندند و در مدرسه، انشای ادبی و سپس در دانشگاه مقاله علمی بنویسند (اصغرپور ماسوله، ۱۳۹۳: ۵۳-۵۲).

روش‌های آموزش انشا

روش تقلیدی: این روش بسیار بیشتر از دو روش دیگر دوام یافت؛ روش حاکم بر مدارس لاتین در قرون وسطی بود. در این روش فراگیران از یک متن الگویی از پیش آماده شده، تقلید و رونویسی می‌کردند، بدون اینکه تغییری در متن

نمونه به وجود آورند و یا اینکه نظر خود را در مورد آن بنویسند. فراگیران در این روش، تنها مجاز بودند اجرای متن را بدون آن که ساختار جملات را تغییر دهند، جابه‌جا کنند. از طرفی معلم باید به دانش‌آموزان یاد بدهد که اگر به یک موضوع به صورت واحد نگاه کنند، اطلاعاتی که در مورد آن کسب خواهند کرد، بسیار کمتر از زمانی است که آن موضوع را از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار دهند (رضازاده، ۱۳۹۴: ۲۵۹۰).

روش بازسازی: این روش از مبنا قراردادن الگوهای سبکی صرف‌نظر می‌کرد و بدین ترتیب زیربنای کار وسیع‌تری را برای دانش‌آموزان فراهم می‌نمود. در این روش، متن انشا در کلاس با کمک دانش‌آموزان به طور موقت آماده می‌شد، سپس توسط آنها و بر اساس پایه تحصیلی موردنظر، با شدت و ضعف مختلف تمرین می‌شد و آنگاه روی کاغذ می‌نوشتند. این روش از نظر تقویت قوه خودتکایی فراگیران در امر نگارش، قوی‌تر از روش تقلیدی بود.

روش تولیدی: این روش از مشخصات بارز آن، انشای آزاد، تقویت خلاقیت فردی و اهمیت دادن به آن در ساخت و تنظیم مطالب بود (مبصر، ۱۳۸۴: ۷۶-۷۹).

عوامل مؤثر در نوشتن

در نگارش عوامل متعددی دخالت دارند که عدم توجه و رعایت آنها علاوه بر بدخطی در نارسایی نیز مؤثر است. برخی از این عوامل عبارت‌اند از:

- ۱- خوب شنیدن و داشتن پایه‌ای محکم در شنود که این امر در همگان یکسان نیست.
 - ۲- توانایی فرد در زمینه نگهداری داده‌ها در ذهن که به قدرت حفظ آدمی مربوط می‌شود.
 - ۳- تبدیل فکر به کلمات که باز هم به حافظه و یادآوری فرد مربوط می‌شود.
 - ۴- تبدیل کلمات به الگوها و مدل‌های مناسب که مبتنی بر آموخته‌ها و مکتوبات است.
 - ۵- طراحی فرم ترسیمی کلمات و حروف در ذهن که بر اساس سوابق است.
- عوامل دیگری از جمله: «توانایی به دست گرفتن قلم، توانایی نگهداری و چرخش آن در دست، یگانه‌سازی روابط پیچیده چشم و دست، رشد و پیشرفت گنجینه لغات، حافظه بصری، هماهنگی حرکت چشم و دست، کنترل بازو و حرکت آن، قدرت عضلات انگشتان، فعالیت اعصاب نواحی مختلف و...» نیز در این زمینه دخالت دارند. وجود این عوامل به این دلیل است که «رابطه‌ای بین هوش و خط وجود دارد و آن را به منزله زبان دانسته‌اند که با رمزگذاری، رابطه دارد و از طرفی عمل «نوشتن» با رشد کامل برای ادراک دقیق نمادها، دارابودن تصاویر ذهنی بازمانده از تجارت حسی، حرکتی، بصری و... وصل است» (انوشه‌پور، ۱۳۶۵: ۷۸). عمل نوشتن به دلیل انتزاعی بودن آن برای کودکان فعالیت دشوار است؛ به همین دلیل زبان نوشتاری در سلسله مراتب توانایی‌های زبانی (گوش‌دادن، صحبت کردن، خواندن و نوشتن) پس از سایر انواع زبان یاد گرفته می‌شود؛ لذا هر گونه مشکل در سایر زمینه‌ها، مانند؛ گوش‌دادن، سخن‌گفتن و خواندن می‌تواند بر یادگیری زبان نوشتاری تأثیر منفی بگذارد (سیف نراقی و نادری، ۱۳۹۶). با این تفاسیر، انتخاب موضوعات از طرف معلم بدون توجه به علاقه و توانایی دانش‌آموزان، نبودن شاخص‌های معین برای ارزشیابی درس انشا و سلیقه‌ای بودن ارزشیابی آن، دانش ضعیف معلمان در خصوص روش‌های تدریس فعال یا خلاق در درس انشا، فراهم‌نکردن نشریات و کتاب‌های مناسب کودکان در خانواده‌ها برای غنی‌کردن تجربیات آنها، ضعف دانش‌آموزان در تبدیل افکار خود به زبان مکتوب، واژگان ناکافی، خطاهای دستوری و ویرایشی از جمله مشکلات انشانویسی است و معلم فارسی، وظیفه خود نمی‌داند که قواعد انشانویسی را به دانش‌آموزان بیاموزد و معلم انشا هم فرض می‌کند که دانش‌آموز، قواعد را آموخته است و تنها باید این آموخته‌ها را به کار گیرد (زندى، ۱۳۹۹: ۱۰۶).

علل ضعف انشای دانش‌آموزان

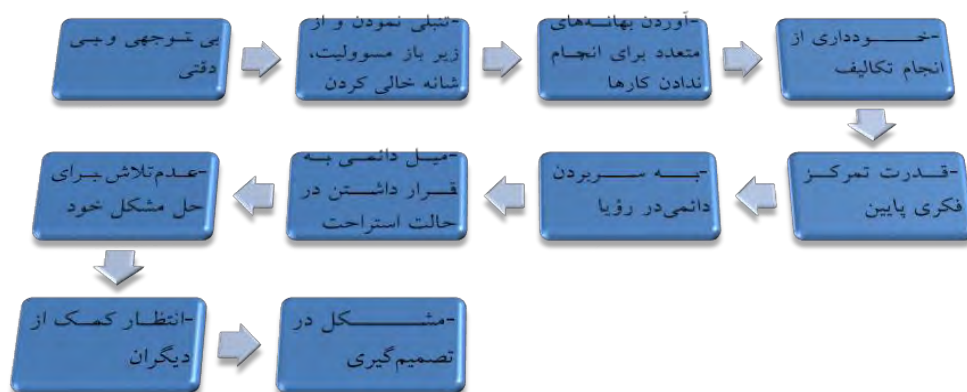
در مورد مهم‌ترین علل ضعف دانش‌آموزان در درس انشا می‌توان به موارد زیر که مورد تأیید صاحب‌نظران است، اشاره کرد:

- ۱- موضوعات انشا عموماً تکراری و خسته‌کننده است و معلم توضیح کامل و جامعی دربارهٔ موضوع انشا سر کلاس ارائه نمی‌دهد.
- ۲- به درس انشا و نگارش بهای کمتری نسبت به دروسی نظیر ریاضی، زبان، فیزیک و... داده می‌شود و همین امر سبب کاهش علاقه و انگیزه در این درس می‌شود.
- ۳- معلمان، اهمیت درس انشا را برای دانش‌آموزان بازگو نمی‌کنند و چه بسا دانش‌آموزان درس نگارش را درسی بیهوده تلقی می‌کنند و انگیزهٔ کافی برای این درس ندارند.
- ۴- برخی از دانش‌آموزان از نمرات کم انشا سرخورده می‌شوند و رغبتی به نوشتن دوباره ندارند و معلمان نیز گاهی برای نوشتن انشا حجم خاصی را مشخص می‌کنند؛ به‌عنوان مثال می‌گویند باید بیشتر از ده خط بنویسید؛ حال آنکه این شیوه اشتباه است.
- ۵- دلسوزی بیهودهٔ والدین در هنگام خودداری فرزندان در نوشتن انشا که با کمترین خواهش و اصرار فرزند، حاضر می‌شوند خودشان، انشای فرزند را بنویسند.
- ۶- بی‌توجهی به فرهنگ کتاب‌خوانی در اکثر خانواده‌ها به دلیل گرفتاری‌ها و مشکلات؛ زیرا اگر پدر و مادر قسمتی از اوقات فراغت خود را صرف خواندن کتاب‌های مفید و سودمند کنند، می‌توانند نقش مؤثری در ترغیب فرزندان به امر مطالعه و نگارش داشته‌باشند.
- ۷- سطح مطالعه در میان دانش‌آموزان بسیار پایین است و آنها علاقهٔ چندانی به خواندن کتاب‌های مفید غیردرسی ندارند و همین کمبود اطلاعات باعث ناتوانی آنها در نوشتن می‌شود.
- ۸- بارها دیده شده است که دانش‌آموزی به علت اینکه نوشته‌اش، او را راضی و خرسند نمی‌کند یا از بیم دانش‌آموزان و احیاناً تمسخر آنان و سرزنش معلم، نمرهٔ بد را به جان می‌خورد و به بهانه اینکه انشایش را نیاورده یا ننوشته، از خواندن انشا سرباز می‌زند و کم‌کم این عقده در او شکل می‌گیرد که نمی‌تواند چیز خوبی بنویسد.
- ۹- استفاده‌های مکرر از ساعت درس نگارش برای جبران دروس عقب‌افتادهٔ دیگر.
- ۱۰- عدم‌استفادهٔ معلمان درس نگارش از وسایل کمک آموزشی مثل فیلم و تصویر و عدم تنوع ساعت‌های انشا.
- ۱۱- عدم‌تناسب موضوع انتخاب شده با سن دانش‌آموز.

بررسی و گردآوری اطلاعات تحقیق در مدرسهٔ مورد مطالعه

برای حل این مشکل و مسئله مطرح‌شده در این پژوهش؛ ابتدا به جمع‌آوری تجربیات اولیای دانش‌آموزان پایهٔ دهم مدرسهٔ اسحاقیهٔ یزد در ارتباط با درس انشا پرداخته شد و مسئله در جلساتی با دیگر معلمان، مطرح گردید تا از تجربیات همکاران دیگر استفاده شود. همگام با این عمل، مطالعهٔ کتاب‌های مختلف، جستجوی نظرات اولیای دانش‌آموزان و یادداشت‌برداری انجام گرفت. در یک نمونهٔ آماری معلوم شد که اکثر انشای دانش‌آموزان این مدرسه در منزل نوشته می‌شد که این روش با توجه به تحقیقات و نظر اکثر علمای تعلیم و تربیت کاملاً منسوخ است و اکثر اولیا نیز از این امر ناراضی بودند و دانش‌آموزان نیز در کلاس این درس تمایل به شنیدن نوشته‌های هم‌کلاسی‌های خود نشان نمی‌دادند و حتی برای اکثر آموزگاران نیز ساعت انشا نیز کسل‌کننده و خسته‌کننده بود.

در یک نظرسنجی از دانش‌آموزان، آنها نیز بیان می‌کردند که نمی‌دانند چگونه انشا بنویسند، موضوعات برای آنها قابل‌فهم و موردعلاقهٔ آنها نیست. با بررسی نوشته‌هایی که در خصوص نگارش و مخصوصاً نگارش خلاق بود، دریافتیم که در ساعت انشا می‌توان با ایفای نقش، قصه‌گویی و نمایش خلاق به عالی‌ترین اهداف زبان‌آموزی که نوشتن نیز یکی از این اهداف است، دست یافت. بی‌تردید اجرای این شیوه در کلاس‌های درس باعث ایجاد برقراری ارتباط انسانی و عاطفی، نظم‌بخشی به افکار و گفتار، پرورش قوهٔ تفکر استدلال و استنتاج و به‌طور کلی رشد و شکوفایی خلاقیت و استعدادهای زبانی در دانش‌آموزان می‌انجامد؛ لذا یکی از مهم‌ترین عوامل بی‌توجهی در موضوع انشا، وجود «انگیزه» در معلم و دانش‌آموز است. برخی از نشانه‌های بی‌انگیزگی در دانش‌آموزان این مدرسه عبارتند از:



بازنگری و ارائه راهکارها

با بررسی دلایل و عواملی که در خصوص این مشکل انجام گرفت، ابتدا با همکاران مدرسه به بحث و تبادل پرداخته شد و از بین صحبت آنها چندین راه حل، اولویت بندی و ارائه شد. در ادامه تلاش شد که مشکلات دانش آموزان در جلسات تدریس به صورت جداگانه، موردی و گروهی مشخص و دسته بندی گردد. حاصل تجزیه و تحلیل یادداشت‌ها، نشان داد که برخی مشکلات مربوط به نگرش وجود دارد که باعث و بانی آنها دانش آموزان نبودند؛ بنابراین درصدد تغییر این وضع و فراهم کردن زمینه علاقه مندی دانش آموزان به این درس و توانمندسازی آنها در نگرش موضوع‌های انشا شدیم؛ لذا این پژوهش با روش‌های مختلف سعی در علاقه مند کردن این دانش آموزان به موضوع نگرش دارد. در بین راهکارها و اقداماتی که در کلاس درس صورت گرفت، موارد زیر به عنوان راهکارهای عملی در موارد مشابه پیشنهاد می‌گردد:

- ۱- باید کوشید تا کلاس انشا دارای برنامه و طرحی مناسب در ابعاد گوناگون آموزشی باشد.
- ۲- مشکلات و تنگناها و علل افت و نارسایی کلاس انشا به درستی بررسی و تحلیل گردد و راه‌حل‌های مناسب و علمی برای رهایی از این شرایط نامناسب مطرح شود.
- ۳- شیوه‌های مناسب نگرش و انشا به دانش آموزان شناخته شود.
- ۴- مجموعه تجربه‌های موفق، روش‌های مطلوب و شیوه‌هایی که معلمان موفق در این زمینه داشته‌اند، جمع‌آوری، بازیابی و بررسی شود.
- ۵- فرهنگ مطالعه رواج یابد و در ساعت انشا از مطالعه و کتاب‌خوانی و فرهنگ انتقاد استفاده شود.
- ۶- تشویق اولیا و مربیان در ارتباط با نوشته‌های دانش آموزان.
- ۷- برگزاری المپیادهای انشانویسی.
- ۸- بحث و تبادل نظر، پرسش و پاسخ در درس انشا.
- ۹- بهترین انشاها در سر صف خوانده شود و مورد تشویق مناسب قرار گیرد.

تبیین مسئله شناسایی شده

همه افراد از اهمیت انگیزه در زندگی آگاهی دارند؛ انگیزه به انسان کمک می‌کند تا احساس رضایت بیشتری از زندگی داشته باشد و کارها را با نظم بهتری انجام دهد و در نهایت عملکرد و نتیجه بهتری در زندگی کسب کند. در مجموع، انگیزش از جنس فرایند است. منظور روان‌شناسان از انگیزش، فرایندی است که انگیزه را در فرد یا تیم ایجاد می‌کند و آن را در جایی افزایش یا کاهش می‌دهد؛ بنابراین معلم، به‌عنوان کسی که به انگیزش فکر می‌کند و می‌خواهد این

حوزه را بهتر بفهمد و بیاموزد، دوست دارد در مواجهه با هر رفتار، چه در خود و چه در دیگران، در جستجوی پاسخ این پرسش‌های کلیدی انگیزش است:

- ۱- چرا این رفتار مشخص شروع شد؟
 - ۲- به چه علت این رفتار ادامه پیدا کرد؟
 - ۳- چرا این هدف انتخاب شد و هدف‌های دیگر از اولویت خارج شد؟
 - ۴- علت تغییر هدف در طول زمان چیست؟
 - ۵- چرا یک رفتار مشخص متوقف شد؟
- در مورد این موضوع به هر کدام از این سؤالات به طور جداگانه تحقیق و بررسی انجام شد و جواب هر کدام از پرسش‌ها بدین‌گونه بود:

۱- چرا این رفتار مشخص شروع شد؟

وقتی دانش‌آموزان وارد مدرسه می‌شوند از همان کلاس اول با یادگرفتن حروف و کلمات شروع به جمله‌سازی می‌کنند و در نهایت در کلاس دوم جملاتی را به‌عنوان تکلیف انجام می‌دهد که غالب این جملات در کنار خواهر، برادر، پدر و مادر نوشته می‌شود و کمتر سر کلاس به این موضوع رسیدگی می‌شود. وقتی شالوده و بنیان یک رفتار به‌اشتباه پایه‌ریزی شود، به‌قول معروف «تا ثریا دیوار کج خواهد رفت». بارها هر کدام از ما شاهد صحنه‌های این‌چنین حتی در سریال‌ها و فیلم‌های تلویزیونی هستیم و بودیم که فرزندی مداد و دفتر به دست در وسط کانون گرم خانواده نشسته است و هر کدام از اعضای خانواده سعی در گفتن جمله یا جملاتی به او دارند.

۲- به چه علت این رفتار ادامه پیدا کرد؟

همان‌طور که دانش‌آموزان به پایه‌ها و مقاطع بالاتر می‌روند، این مشکلات بیشتر خواهد شد؛ چرا که دانش‌آموزان نمی‌دانند که در مورد چه بنویسند و کدام موضوع یا مطلب می‌تواند در نوشتن به آنها کمک کند. حتی این مشکل در دانشگاه در هنگام نوشتن مقاله کاملاً محسوس است که دانشجویان در نوشتن یا حتی پیدا کردن موضوع مقاله دچار سردرگمی هستند. واگذار کردن نگارش به خارج از کلاس، باعث می‌شود که دانش‌آموزان از اولیا و بزرگ‌ترهای خود کمک بگیرند. همچنین عدم علاقه و رغبت آموزگاران و عدم آشنایی با قواعد نگارش و عدم ارائه موضوعات مناسب هر پایه با اصول روان‌شناسی و توانایی ذهنی فراگیران، باعث می‌شود این مشکل ادامه پیدا کند.

۳- چرا این هدف انتخاب شد و هدف‌های دیگر از اولویت خارج شد؟

با اجرای این فرایند نادرست، دانش‌آموزان درمی‌یابند که لازم نیست وقت زیادی را اختصاص به درس انشا و نگارش بدهند؛ چرا که به اهداف معلم کلاس دست پیدا کرده‌اند. بارها از زبان دبیران خود شنیده‌اند که امروز انشا کار نمی‌کنیم؛ چرا که در درس فارسی عقب هستیم. بعضی از دبیران می‌خواهند کمبودهای درس فارسی را که نشانه ضعف طرح درسی‌شان است، به‌وسیله درس انشا جبران کنند و بدین‌گونه بر بی‌انگیزگی دانش‌آموزان می‌افزایند و با اجرای نادرست این فرایند، اهداف اصلی درس نگارش، قربانی هدف‌های دیگر می‌کنند. حتی در برخی از کلاس‌های درس انشا مشاهده می‌شود که معلمی که تخصص ادبیاتی ندارد، درس انشا و نگارش تدریس می‌کند که این مشکل بسیار اساسی است و مدیران مدارس باید تأمل بیشتری نسبت به این امر داشته باشند.

۴- علت تغییر هدف در طول زمان چیست؟

هدف یادگیری، اصول درست‌نویسی و در نهایت نوشتن به‌وسیله دانش‌آموزان بوده است؛ اما بی‌علاقگی و بی‌انگیزگی معلم و شاگردان سبب شد، روزبه‌روز دانش‌آموزان از این هدف دور شوند و هیچ معیار مشخصی نیز برای ارزشیابی درس انشا وجود نداشته باشد.

۵- چرا یک رفتار مشخص (نوشتن انشا) متوقف شد؟

باتوجه به مشکلات مطروحه فوق، طبیعی است که انشانویسی و پرداختن به یادگیری اصول نگارشی و درست‌نویسی که از اولویت کاری فراگیران است، برای همیشه از اولویت کاری آنها خارج خواهد شد.

راه‌حل‌ها و ایده‌های انتخابی آموزش پژوه

مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده علاقه‌مندی یا بی‌علاقگی دانش‌آموز نسبت به درس‌ها و تکالیف مختلف یادگیری، تجارب موفقیت‌آمیز یا شکست او در یادگیری درس‌ها است؛ یعنی اگر دانش‌آموز طی سال‌های مدرسه، همواره تجاربی موفقیت‌آمیز کسب کند؛ به تدریج به علاقه او نسبت به یادگیری دروس مختلف و کل محیط مدرسه افزوده می‌شود و در نتیجه مفهوم مثبتی از خود در او تشکیل می‌شود، اما اگر این تجارب غالباً با شکست توأم باشند؛ اندک‌اندک در یادگیرنده، بی‌میلی ایجاد می‌شود و سرانجام ممکن است به مفهوم منفی از خود و توانایی‌های خود در او بینجامد. در این پژوهش با در نظر گرفتن موقعیت و شرایط محیط آموزشی و عواملی تأثیرگذار از جمله انگیزش دانش‌آموزان و همچنین نقش و رفتار معلم و چگونگی عملکرد دانش‌آموزان به رفتار معلم و باتوجه به تدریس و کسب تجربه در زمینه درس انشا و ملاحظه نقاط ضعف و قوت دانش‌آموزان در این درس به راه‌حل‌ها و ایده‌هایی در این زمینه رسیده و به بیان آنها می‌پردازد. راه‌حل و پیشنهادهای حاصل این پژوهش، در دو دسته عمومی و اختصاصی تقسیم شده است؛ در پیشنهادهای عمومی می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- رهبری خوب معلم در کلاس درس انشا: یکی از عوامل مؤثر بر ایجاد انگیزه و علاقه در کلاس انشا، شیوه رهبری معلم در کلاس درس است که به طور کلی به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱- روش مبتنی بر دموکراسی که بهترین روش اداره کلاس است و در آن دانش‌آموزان دارای پیشرفت تحصیلی بالایی هستند. در این روش، ضمن حفظ استقلال دانش‌آموزان، احترام متقابل و صمیمیت آنان، تحت راهنمایی معلم به آموزش و یادگیری می‌پردازند.

۲- روش بی‌بندوباری (بدون رهبری) که به علت مشخص نبودن هدف و تحت رهبری قرار نداشتن، به کمترین یادگیری می‌انجامد و بنابراین، بدترین روش اداره کردن کلاس است.

۳- روش استبدادی که در این روش نسبت به روش بی‌بندوباری، دانش‌آموزان، دارای یادگیری بیشتری هستند، ولی به علت وجود ترس، هیجان و اضطراب، عدم احساس مسؤلیت و امنیت، دارای یادگیری کمتری نسبت به روش دموکراسی هستند.

بهترین راه رهبری معلم در کلاس درس نگارش مسلماً در روش مبتنی بر دموکراسی قرار دارد اما باید همراه با اقتدار انجام گیرد به طوری که دانش‌آموز در فکر تلف کردن وقت این درس نباشد و احساس مسؤلیت در او زیادتر شود. یکی از شیوه‌هایی که باعث رهبری بهتر معلم و از طرفی افزایش علاقه دانش‌آموزان می‌شود، این است که دانش‌آموزان را در زمان درس نگارش به کتابخانه برده و از دانش‌آموزان خواسته شود که کتاب مورد علاقه خود را انتخاب کنند و بعد خلاصه‌ای از آن کتابی را که خوانده‌اند، بنویسند. رهبری با این شیوه با توجه به اینکه، خواندن مادر نوشتن است، بسیار راه‌گشاست یا شیوه دیگری مانند انتقال دانش‌آموزان به فضای حیاط مدرسه و رهبری معلم در این فضا همراه با انتخاب زیرموضوع آزاد در مورد «طبیعت» است که با این شیوه، علاقه دانش‌آموزان در نوشتن بسیار زیاد می‌شود و در عین حال واژگان و جملات زیبایی می‌نویسند. البته این شیوه، نیاز به رهبری و مدیریت دقیق معلم است تا فردی در این فضای آزاد سواستفاده نکند.

۲- فعال بودن دانش‌آموزان در کلاس انشا: به نظر محققان، جو عاطفی مطلوب کلاس، جوی است که در آن دانش‌آموزان فعال باشند، نه منفعل. روش فعال، باعث شکفته شدن شخصیت عقلی، اخلاقی و سازمان یافتن مبادلات فکری کودکان می‌شود؛ فرد را به ابداع و نوآوری وامی‌دارد؛ انگیزه و رغبت او را افزایش می‌دهد و سرانجام به یادگیری واقعی می‌انجامد، ولی در روش منفعل، یادگیری واقعی صورت نمی‌گیرد، گرچه ممکن است دانش‌آموزان با مطالب بیشتری آشنا شوند و مطالب زیادتری را به حافظه بسپارند، ولی این امر فقط به لفاظی منجر می‌شود و فرد مطالب را درون‌سازی نخواهد کرد.

۳- ایجاد حسّ موفقیت در دانش‌آموزان: یکی از عوامل ایجاد انگیزه، ایجاد حسّ موفقیت در دانش‌آموزان است. تحقیقات نشان داده‌است که پنج بُعد رفتاری وجود دارد که باعث می‌شود؛ دانش‌آموز بهتر یاد بگیرد. این پنج بُعد که تقریباً در تمام فرهنگ‌ها مشترک است، عبارتند از:

۱- دانش‌آموز استقلال فکری داشته باشد.

۲- شخصاً با مشکل درگیر شود.

۳- انگیزه ناسازگاری و عدم تعادل از خود نشان دهد که باعث می‌شود برای حل مشکل بکوشد تا آرامش یابد.

۴- دقت و توجه زیادی از خود نشان دهد.

۵- کمی اضطراب از خود بروز دهد.

همچنین محققان بر جو عاطفی کلاس درس تأکید می‌کنند و معتقدند که اگر مدیریت کلاس خوب باشد باعث افزایش مشارکت دانش‌آموزان در کلاس، کاهش رفتارهای مخرب و استفاده مناسب از زمان آموزش می‌شود.

۴- رابطه مثبت و صمیمی بین معلم و دانش‌آموزان: میان معلم و دانش‌آموزان رابطه مثبت و صمیمی وجود داشته باشد و در مواقع بروز مشکل، دانش‌آموزان از پشتیبانی معلم برخوردار باشند. میان خود دانش‌آموزان نیز باید رابطه‌ای صمیمی و حسنه وجود داشته باشد.

۵- برقراری نظم: در کلاس باید نظم برقرار باشد. برای این منظور لازم است مقررات واضح و روشنی وضع شود.

۶- اهمیت قائل شدن به انشای دانش‌آموزان: به تلاش و کار دانش‌آموزان در زمینه نوشتن انشا اهمیت داده شود، همچنین بازخورد معلم نسبت به انشا باید روشن، صریح و به‌صورت کتبی و فوری باشد تا علاوه بر این که دانش‌آموز بتواند ایراد کارش را رفع کند و بداند که زحماتی که برای انجام تکلیف کشیده‌است، نادیده گرفته نشده و برایش ارزش قائل شده‌اند.

۷- وجود استاندارد روشن و واضح برای عملکرد شاگردان: علاوه بر این که باید به تکالیف و زحماتی که دانش‌آموز کشیده‌است ارزش قائل شد؛ باید استاندارد روشن و واضحی، برای عملکرد دانش‌آموز وجود داشته باشد تا تکلیف خود را بداند که دقیقاً معلم از او چه می‌خواهد و استاندارد روشن و واضحی برای عملکرد شاگردان وجود دارد؛ هرچند مؤلفین کتاب نگارش برخی از استانداردها را بیان کرده‌اند.

۸- به‌روز بودن معلم: معلمان با مطالعه منابع جدید، مطالب تازه و غیررایجی را به دانش‌آموزان عرضه کنند و از افکار جدید دانش‌آموزان (در صورت صحیح بودن) حمایت شود تا موجب رغبت و علاقه بیشتری در دانش‌آموزان گردد.

۹- تشویق دانش‌آموزان: زمانی که دانش‌آموز به هدف معینی رسید، مورد تشویق قرار بگیرد تا برای رسیدن به موفقیت بهتر، تلاش بیشتری انجام دهد.

راه‌حل‌های اختصاصی درس انشا

در بیان راه‌حل‌های اختصاصی درس انشا نیز می‌توان موارد زیر را بیان نمود:

۱- در درس انشا مهارت‌های زیادی لازم است؛ یکی از آنها مهارت، خوب دیدن و دیگری مهارت خوب گوش کردن است. پرداختن به این دو مهارت مهم، دانش‌آموزان را در مهارت نوشتن یاری خواهد کرد.

۲- استفاده از موضوعات ملموس و قابل درک برای درس انشا: جداً از تمام مهارت‌هایی که دبیر کلاس باتوجه‌به کتاب برای دانش‌آموزان تدارک می‌بیند؛ برای شروع، مخصوصاً در سال‌های ابتدایی دوره دوم، باید از موضوعاتی استفاده شود که برای دانش‌آموز ملموس و قابل درک باشد؛ به‌عنوان مثال، دانش‌آموزی که در دبیرستان در یک روستای دور افتاده زندگی می‌کند به راحتی می‌تواند از احساس خود هنگام بیدار شدن در صبح روستا بنویسد اما شاید نتواند از بیدار شدن در هتلی مجلل در کشوری دیگر بنویسد و این عدم‌درک باعث ناتوانی او در نوشتن خواهد شد.

۳- یاد دادن اصطلاحات و کلمات در قالب درست و صحیح به دانش‌آموزان و خانواده‌های آنها: بسیاری از دانش‌آموزان وقتی در مورد درسی مثل انشا قلم به دست می‌شوند، در جمله‌بندی و ارکان جمله با مشکلات بسیاری درگیر هستند که پیشنهاد می‌شود ابتدا معلم در چند جلسه ابتدایی کلاس، دقایقی اندک را به این موضوع اختصاص دهد تا دانش‌آموزان را با شکل صحیح کلمات و اصطلاحات و حتی جمله‌بندی درست آشنا کند؛ البته مطلوب آن است که قبل از آموختن این مطالب به دانش‌آموزان جلسه‌ای نیز با اولیای آنها گذاشته شود و از آنها خواسته شود تا شکل درست کلمات، جملات و اصطلاحات را یاد بگیرند تا بتوانند مددکار فرزند خود در این زمینه باشند.

۴- تقسیم کردن موضوعات بزرگ‌تر به موضوعات کوچک‌تر: در جلسات ابتدایی بهتر است به جای موضوعات بزرگ و کلی، از موضوعات کوچک استفاده شود؛ مثلاً به جای موضوع کلی «فصل بهار»، در مورد «میوه‌های فصل بهار» چهار خط بنویسند. اجرای این روش در درک و کنار هم قراردادن مطالب به دانش‌آموز کمک شایانی می‌شود. همچنین یا این روش همه دانش‌آموز می‌توانند در سر کلاس انشا بنویسند و آن را در میان هم‌کلاسی‌ها بخوانند. از طرفی اجرای این شیوه باعث درک دانش‌آموز با انواع کلمات و نوشتن جمله‌بندی در یک موضوع واحد می‌گردد.

۵- انجام دادن تکالیف در کلاس درس: پیشنهاد می‌شود به جای آنکه نوشتن انشا به منزل موکول شود، در کلاس درس، موضوعات کوچک و کاربردی کار شود و همه نمونه انشاهای نیز خوانده شود تا بقیه دانش‌آموزان نیز اشکالات خود را متوجه شوند. تکالیف این درس حتماً باید در کلاس درس انجام شود تا دانش‌آموزان با نمونه عملی کار مواجه شوند و در راه تقویت نوشتن خود برآیند.

استفاده از تکنیک‌ها یا روش‌های زیر جهت تقویت مهارت انشانویسی:

- بارش فکری.
 - بازی با کلمات.
 - دادن کلمات متعدد و به‌کاربردن آنها در انشا.
 - پخش فیلم و خلاصه‌نویسی وقایع فیلم.
 - کتاب‌خوانی و خلاصه‌نویسی از وقایع موضوع کتاب.
 - ساخت کیسه جادویی و قراردادن اشیای مختلف از جمله ساعت، کاغذ، سوزن، مداد و... که دانش‌آموز با انتخاب وسیله موردنظر به طور تصادفی، باید در مورد آن انشایی بنویسد.
 - خواندن یک قصه یا داستان به صورت نیمه‌تمام و حدس زدن پایان آن به صورت نوشتاری توسط دانش‌آموز برای تقویت اعتمادبه‌نفس.
 - سخنرانی در مورد مسائل روزمره حداقل روزی ۳ دقیقه توسط یکی از دانش‌آموزان که به مسائل اجتماعی، فرهنگی و مشکلات جامعه امروز پرداخته شود.
 - دادن تصاویر به گروه‌ها و انشای گروهی در مورد تصاویر و نقاشی‌ها.
 - ارائه دفتری با جملات زیبا که دانش‌آموزان به تناسب به جمع‌آوری مطالب نوشتاری ادبی زیبا می‌پرداختند.
 - جمع‌آوری ضرب‌المثل‌ها و کلام‌های شیرین گذشتگان.
 - توصیف محیط اطراف مانند گل، کلاس، مدرسه و... به زبان ساده و توجه به جزئیات آن.
 - تهیه دفتر خاطرات و نوشتن خاطره‌هایی که از لحاظ ادبی ارزش داشته باشند.
 - تشویق دانش‌آموزان با دادن کارت امتیاز.
 - آشنایی با نویسندگان بزرگ و آثار آنها.
- مدیریت کلاس انشا مانند دیگر کلاس‌های درس، مستلزم کارکردهایی چون طراحی و سازماندهی، هماهنگی و رهبری، کنترل و نظارت و ارزشیابی است که به دلیل درهم‌تنیدگی، این کارکردها از یکدیگر تفکیک‌پذیر نیستند. در مدیریت کلاس انشا، معلم، قبل از آموزش یا هر گونه اقدام تربیتی و رفتاری باید کلاس درس را در جهت تحقق اهداف این

درس، مدیریت نماید؛ بنابراین جهت رفع مشکل بی‌انگیزگی دانش‌آموزان در درس انشا، راهکارهایی باید انتخاب شود که بیشترین تأثیرگذاری را داشته باشد. از جمله این راهکارها عبارتند از:

- ۱- تشویق و ترغیب دانش‌آموزان برای نظردادن در مسایل گوناگون تا افکار و نظرات خود را در قالب گفتاری مبسوط بیان کنند.
- ۲- از دانش‌آموزان بخواهیم تجارب و حاصل مشاهدات خارج یا داخل مدرسه را در کلاس بیان کنند. فرصت‌هایی فراهم آوریم (بسترسازی کنیم) تا آنان، تجارب و مشاهدات خود را در گروه‌های دو یا سه نفری برای یکدیگر بگویند، درباره کتاب‌هایی که خوانده‌اند، توضیح دهند یا درباره دلیل وقوع رویداد ناخوشایند، گزارشی ارائه دهند.
- ۳- برای این که متن انشا مطلوب گردد، متن و نوشته را به کسی بدهیم بخواند و از زوایای مختلف و با دید وسیع خود بررسی کرده و نظر دهد، مشروط بر این که فرد موردنظر اهل فن، خیره در موضوع و متخصص باشد.
- ۴- در کلاس درس در زمینه تقویت مهارت جمله‌سازی دانش‌آموزان کار شود. بر نکات نگارشی و ساختار جمله‌ها و به‌کاربردن جمله‌های ادبی و زیبا تأکید شود.
- ۵- نوشتن انشا در کلاس درس و نوشتن انشای گروهی و استفاده از روش بحث و گفتگو می‌تواند سبب تقویت مهارت انشانویسی شود.
- ۶- تکمیل داستان‌های نیمه‌تمام.
- ۷- انشای شفاهی می‌تواند نقش زیادی در تقویت مهارت انشانویسی داشته باشد.
- ۸- تشویق دانش‌آموزان به کتاب‌خوانی، معرفی کتاب‌های مناسب با گروه سنی دانش‌آموزان.

معیارهای موفقیت برنامه

تعیین هدف، به‌خصوص هدف‌هایی که قابل دست‌یابی و واقع‌بینانه باشند در تحقق برنامه‌ها و رسیدن به موفقیت اهمیت زیادی دارد؛ لذا راهکارهای رسیدن به این اهداف باید به‌صورت گام‌به‌گام و در زمان‌بندی مشخص اجرا شود. دقت در اجرا و ایجاد هماهنگی و نظم‌بخشیدن به مراحل اجرا باید به گونه‌ای باشد که هم باعث تشویق و ترغیب دانش‌آموزان و هم باعث همراهی دانش‌آموزان در اجرای برنامه شود؛ لذا از مهم‌ترین معیارهای موفقیت در این طرح می‌توان به ایجاد زمینه‌های عوامل انگیزشی و علاقه‌مندی در دانش‌آموزان اشاره نمود.

دستاوردهای تحقیق

با وجود بی‌توجهی و بی‌علاقگی دانش‌آموزان به درس نگارش، نگارندگان به ادامه اجرای راهکارها مداومت داشتند و تلاش شد تا در یک فضای مناسب کلاسی، علاقه‌مندی به نوشتن در آنها ایجاد شود. این انتظار اگرچه در تمام دانش‌آموزان برآورده نشد؛ ولی در نوشتن انشای تعداد زیادی از آنها که با موضوع همراهی داشتند، تغییرات مثبتی به وجود آمد. در واقع، اجرای شیوه‌های پیش‌بینی شده به طور محسوس از بهبودی وضع موجود و تحول دانش‌آموزان حکایت داشت. با توجه به افزایش علاقه در دانش‌آموزان، طی چند هفته آنها قادر بودند به راحتی بنویسند و درباره مسائل اظهارنظر کنند. پس می‌توان فهمید که استفاده از راه‌حل‌های مطلوب و متناسب، تأثیر موفقیت‌آمیزی در جذابیت و افزایش توان دانش‌آموزان دارد. باید توجه داشت که ایجاد تغییرات اساسی در نگارش انشا نیاز به زمان طولانی‌تر یا شاید چندین ساله دارد تا دانش‌آموزان با علاقه‌مندی، به اهمیت نوشتن و نگارش پی ببرند. البته بدون برنامه‌ریزی کلان در وزارت آموزش و پرورش و اهمیت و توجه به این درس در پایه‌های ابتدایی تا دبیرستان موفقیتی حاصل نخواهد شد و اگر هم نتایج مثبتی را در یک دوره زمانی شاهد باشیم، موقتی خواهد بود.

نتیجه‌گیری

از مهم‌ترین علل بی‌انگیزگی دانش‌آموزان در کلاس درس انشا، بی‌علاقگی به درس، عدم مطالعه غیردرسی، فقدان تنوع تدریس درس انشا توسط معلمان، روشن‌نشدن دانش‌آموزان از رسالت درس انشا، عدم آگاهی دانش‌آموزان به

موضوع‌های اجتماعی اطراف خود، عدم تبیین نقش مؤثر این درس در زندگی فردی و اجتماعی و... است. برنامه‌ریزی و تعریف چند موضوع خاص در طول ترم تحصیلی و برطرف کردن مشکلات نگارشی و کمک و آموزش به آنها در یافتن منابع مرتبط با موضوع و همچنین تقویت درست اندیشیدن و ایجاد نظم فکری، باعث افزایش قدرت آفرینش متن، افزایش قدرت سخنوری دانش‌آموزان و تغییرات مثبت در نگارش متن آنها می‌شود. اغلب دانش‌آموزان تصور می‌کنند، نوشتن نیازمند استعداد ذاتی است و آنان فاقد ذوق و قریحه نویسندگی هستند؛ در صورتی که ممکن است دانش‌آموز این توانایی را داشته باشد؛ ولی استعداد او کشف نشده باشد؛ بنابراین قریحه نویسندگی در همه افراد موجود است و با روش درست و تمرین زیاد، همه می‌توانند قدرت قلم خود را افزایش دهند. در این راستا معلمان این درس می‌توانند راهنما و راه‌گشای بسیار مؤثری در فراگیران باشند و مراحل و گام‌های نوشتن را برنامه‌ریزی کنند و با روش‌های متنوع، دانش‌آموزان را در جهت نقشه ذهنی و مراحل تدوین «نوشتن» یاری کنند.

پیشنهادها

پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های بعدی موضوعات ذیل مورد بررسی قرار گیرد:

- ۱- تغییر در روش تدریس درس نگارش در آموزش و پرورش
- ۲- شیوه آموزش به دانش‌آموزان در تهیه منابع لازم برای نگارش و انشا
- ۳- آموزش شیوه‌های مناسب برای افزایش قدرت تخیل دانش‌آموزان در نگارش
- ۴- بررسی زمان مناسب برای زنگ انشا در مدارس کشور
- ۷- بررسی افزایش اعتمادبه‌نفس دانش‌آموزان در نوشتن متن و ارائه مطلب در درس انشا
- ۸- بررسی شیوه نگارش جمعی توسط دانش‌آموزان در درس انشا
- ۹- بررسی تأثیر آشنایی دانش‌آموزان با بزرگان ادبی کشور در علاقه‌مندی آنها به درس انشا

مشارکت نویسندگان

میزان مشارکت نویسندگان در نگارش مقاله یکسان است.

تشکر و قدردانی

تقدیر و تشکر از همکاران گرامی.

تعارض منافع

«هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است»

COPYRIGHTS



©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

منابع

- احمدی، افسانه، رحمتی، روح‌الله، محمودنژاد، دنیا و علی‌مرادی، ناصر (۱۳۹۹). «چگونه توانستم مهارت انشانویسی دانش‌آموزانم را تقویت کنم». *ماهنامه آفاق علوم انسانی*، سال چهارم، شماره ۴۲، مهرمان ۱۳۹۹، صص ۷۹-۶۹.
- اصغرپور ماسوله، مهرداد، قره‌گزی، مه‌ری (۱۳۹۳). آموزش نگارش فارسی آسیب‌ها و راهکارها، *نخستین همایش آموزش زبان فارسی*، اسفندماه ۱۳۹۳، صص ۵۵-۴۸.
- انوشه پور، ابوالفضل (۱۳۶۵). *روش تدریجی فارسی ابتدایی*. تهران: ایران.
- ایلیادی، حسین و حیدرپور، حسین (۱۳۸۷). *مهارت‌های نوشتاری (گزارش‌های کاربردی)*؛ تهران: فرهنگ علوی.
- خورشیدوند، مرضیه و صادقی‌نیا، علیرضا (۱۳۹۴). «بررسی علل ضعیف‌بودن دانش‌آموزان در درس املا و انشا و ارائه راهکارهای مناسب جهت پیشرفت تحصیلی». *دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان‌شناسی*، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران، صص ۷-۱.
- دفتر تألیف کتاب‌های درسی (۱۳۹۳). *کتاب راهنمای معلم (آموزش مهارت‌های نوشتاری)*، تهران: اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی.
- رضازاده، سمانه (۱۳۹۴). «تقویت مهارت انشانویسی در دانش‌آموزان ابتدایی». *مجموعه مقالات همایش ملی آموزش ابتدایی*، دوره ۱، صص ۲۵۹۶-۲۵۸۹.
- زند، بهمن (۱۳۹۹). *روش تدریس زبان فارسی*. چاپ نوزدهم، تهران: سمت.
- صالحی، علی (۱۳۹۰). «راهکارهای عملی برای درس انشا»، *رشد آموزش زبان و ادب فارسی*. شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۰، صص ۷۳-۷۰.
- عبادی، طیبه (۱۳۹۷). «اثربخشی روش آموزش انشا با رویکرد یادگیری مغزمحور بر باورهای خودکارآمدی تحصیلی و مهارت نوشتاری دانش‌آموزان». *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، شماره ۸، بهار و تابستان ۱۳۹۷، صص ۹۳-۸۰.
- قادری دوست، الهام، دانای طوسی، مریم (۱۳۸۹). «مطالعه اهداف و مؤلفه‌های آموزش مهارت‌های زبانی (خواندن، نوشتن، گوش‌دادن و سخن‌گفتن) در برنامه درسی زبان فارسی دوره متوسطه ایران». *نشریه نوآوری‌های آموزشی*، دوره ۹، شماره ۳۵، پاییز ۱۳۸۹، صص ۶۵-۲۳.
- لطفی، لیلا (۱۳۹۲). «میزگرد بررسی شیوه‌های تقویت انشا و نگارش در مدارس کشور». *رشد آموزش زبان و ادب فارسی*، شماره ۲، بهار ۱۳۹۲، صص ۶-۴.
- نادری، عزت‌الله، سیف‌نراقی، مریم (۱۳۹۶). *اختلالات یادگیری*. تهران: امیرکبیر.
- نریمانی، محمد، شربتی، انوشیروان (۱۳۹۴). «مقایسه حساسیت اضطرابی و عملکرد شناختی در دانش‌آموزان با و بدون نارساخوانی». *مجله ناتوانی‌های یادگیری*، دوره ۴، شماره ۴/۱۰۰-۱۰۰، صص ۸۵-۱۰۰.
- الهام‌پور، حسین (۱۳۸۴). «بررسی مشکلات درس انشای فارسی دوره راهنمایی استان خوزستان». *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی*، دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم، سال دوازدهم، شماره ۲، صص ۱۱۳-۱۳۴.
- همتی، مهین (۱۳۹۸). *زبان و ادبیات فارسی*، «تحلیل برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری». *مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی*، دوره ۳۳، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۸، صص ۵۵-۵۳.